

معضلات آموزشی نظام آموزشی هند

پائین بودن نرخ سواد در هندوستان که فقر اقتصادی از جمله مهم ترین عوامل آن محسوب می گردد مهم ترین معضل آموزشی کشور است. بنابر برآوردهای به عمل آمده بیش از یک سوم جمعیت هندوستان زیر خط فقر زندگی می کنند. اگر چه حضور در مدارس رایگان می باشد اما هزینه تهیه کتاب، لباس مدرسه و حمل و نقل برای خانواده های فقیر هزینه ای هنگفت به شمار می رود. در خانواده های فقیر، مشارکت دختران در نگهداری از کودکان و فعالیت های روزمره خانواده، چنین معضلی را ایجاد نموده است. اگر خانواده ای به دلیل مواجهه با مسائل مالی مجبور به انتخاب در مدرسه فرستادن فرزندان دختر یا پسر خود باشد قطعاً این پسر خانواده از فرصت تحصیل برخوردار می گردد. واکنش منفی والدین در امر آموزش دختران، خود به عنوان مانع بزرگ در حوزه آموزش دختران محسوب می گردد. اغلب والدین از آموزش پسران تحت عنوان سرمایه ای بزرگ یاد می کنند. چرا که در زمان پیری والدین، این فرزند پسر است که از استعلاعت مراقبت از آنان برخوردار می باشد. به عبارت دیگر، اکثر والدین هندی از دختران تحت عنوان اتلاف هزینه یاد می کنند. چرا که دختران پس از ازدواج با خانواده شوهر زندگی کرده و والدین مستقیماً از این وضعیت سودی نمی برند. علاوه بر این دخترانی که از سطح بالای آموزشی برخوردارند نیز به واسطه ازدواج با پسران همسطح و هم پایه خود از لحاظ تأمین جهیزیه هزینه هنگفتی برای خانواده های خود به بار می آورند. از جمله مهمترین معضلات نظام آموزشی کشور هند می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱ استقلال مطلق دانشگاهها :

دانشگاههای سراسر کشور در فعالیت های مختلفی نظیر پذیرش دانشجو، گزینش استاد، تدارک برنامه های درسی، نحوه ارزشیابی تحصیلی و..... به صورت مستقل عمل نموده و سازمان هایی نظیر کمیسیون اعتبارات دانشگاهی (یو.جی.سی) منحصر از نقش پیشنهاد دهنده برخوردار می باشند.

۲ اختلاف سطح و امکانات گروههای آموزشی :

اغلب گروههای آموزشی از جهت کادر آموزشی، منابع مالی، تجهیزات، کتابخانه تخصصی و ساختمان در وضعیت نامناسبی قرار داشته و تنها معدودی از دانشگاهها از موقعیت بهتری برخوردار می باشند.

۳- عدم وجود مرکز ملی تانید و اعتبار بخشی آموزشی :

اگرچه کمیته بررسی کمیسیون اعتبارات دانشگاهی به تعیین معیارها و استانداردهای آموزشی مبادرت می نماید، با این وجود ارگان ملی خاصی عهده دار نظارت بر عملکرد اجرایی دانشگاه ها نبوده و مکانیسم نظارتی خاصی نیز وجود ندارد.

۴ گسترش بی رویه دوره های آموزش عالی و ظرفیت پذیرش دانشجو :

طی دهه گذشته دانشگاههای هند در ایجاد و گسترش دوره های آموزشی علوم مختلف شتاب بی مورد به خرج داده و بدون فراهم آوری زیربنای لازم به تشکیل دوره های جدید و یا افزایش نرخ پذیرش دانشجو مبادرت نمودند. از این روی تضعیف دوره ها اثر چاره ناپذیری بر استانداردها و معیارهای آموزشی کشور گذارده است. چراکه از دانشجویانی که به اتمام دوره های آموزشی بدون امکانات زیربنایی نائل آمده اند، نمی توان انتظار داشت از شایستگی های برابر با آن دسته از دانشجویانی که از دانشگاههایی با امکانات بهتر فارغ التحصیل میگردند، برخوردار باشند. اگرچه مدرک هر دو مشابه است. طبیعتاً دانشجویانی که از آموزش بهتر برخوردار بوده اند، در گزینش شغل و در میدان عمل، از وضعیت بهتری برخوردار می باشند. طبق اطلاعات بدست آمده، تعداد فارغ التحصیلان دانشگاههای هند در اغلب رشته های تحصیلی تا ۴ برابر میزان مورد نیاز بازار کار است. در نتیجه بسیار عادی است اگر چنانچه شخصی با وجود برخورداری از مدرک کارشناسی ارشد در پستی بسیار پائین تر از سطح خود مشغول به کار شود. از سوی دیگر این مسئله سبب سوء استفاده برخی از کارفرمایان شده و به استخدام افرادی با مهارت و صلاحیت هایی بسیار بالاتر از درجه نیازمندی مبادرت می نمایند که این امر خود به تحقیر افراد برخوردار از تحصیلات عالیه منتهی می گردد.

۵ فقدان سیاست ملی منسجم :

از جمله مشکلات عمده نظام آموزشی هند می توان به عدم وجود نهاد یا سازمان خاص جهت برآورد میزان نیروی متخصص مورد نیاز بازار کار در سطوح مختلف و اتخاذ سیاست گذاری

وبرنامه ریزی صحیح در این زمینه اشاره نمود. در نتیجه تعداد فارغ التحصیلان بسیار بیشتر از نیاز بازار کار بوده که این امر خود به عدم اشتغال و یا گرایش به اشتغال در سطوح پایین تر آموزشی منجر می گردد. این درحالیست که اتخاذ سیاست ملی منسجم در جهت تعیین لزوم یا عدم لزوم تشکیل و یا گسترش گروههای آموزشی مطابق با شناخت نیازهای متفاوت بازار کار ضروری بوده و به عدم رشد بی رویه دوره های آموزشی منتهی می گردد.

۶- ناکافی بودن تسهیلات آموزشی

عم کفایت تسهیلات آموزشی در هندوستان، مانعی دیگر برای آموزش به شمار می رود. اغلب ایالات کشور از تعداد کافی مدرسه جهت سرویس دهی به کلیه کودکان واجد شرایط برخوردار نمی باشند. بعلاوه مدارس موجود نیز از امکانات اولیه نظیر بهداشت و آب، محروم می باشند. در برخی ایالات نیز مشکل عدم وجود جای کافی با مشکل ازدیاد کودکان مدرسه ای به دلیل رشد سرسام آور جمعیت، توأم گردیده است. به عنوان مثال، طی سال ۱۹۹۳، ایالت آتارپرداش جهت ثبت نام از کلیه کودکان رده های سنی ۶ الی ۱۰ سال به ۲۱۴۰۰۰ مدرسه اضافی نیازمند بود. نیاز به مدارس اضافی به خاطر رشد جمعیت، همچنان پابرجاست. گفتنی است که در مقابل دولت هندوستان در عوض سرمایه گذاری جهت احداث مدارس بیشتر، به ارتقاء کیفیت آموزشی می پردازد.

۷- کمبود معلمان زن

عدم برخورداری از معلم زن به اندازه کافی، مانعی دیگر حوزه آموزش کشور محسوب می گردد. چرا که با افزایش تعداد معلمان زن در مدارس احتمال حضور دختران در مدارس، به مقدار متناهی افزایش می یابد. این امر به ویژه در خصوص کشوری نظیر هندوستان که از تفاوت جنسی فاحش برخوردار است مصداق بیشتری می یابد. در حال حاضر، معلمان زن کشور تنها ۲۲ درصد از کل معلمان کشور را تشکیل می دهند (۱۹۹۲). این میزان نشان می دهد که تعداد محدودی از زنان هندی شایسته تدریس می باشند. به هر حال این سهم احتمالاً در آینده ای نه چندان دور افزایش خواهد یافت؛ چرا که تعداد زنانی که جهت تدریس آموزش می بینند نصف دانشجویان را تشکیل می دهند. در اینجا، بازم در میان ایالات مختلف، تفاوت وجود دارد. آندسته از ایالاتی که از میزان رشد افراد باسواد برخوردار می باشند، به همان نسبت نیز از تعداد زنان معلم بیشتری برخوردار می باشند. اختلافات جنسی ناعادلانه ای همچنان در سیستم آموزشی کشور مشهود می باشد. از سال ۱۹۶۵ دولت هندوستان با دوباره نویسی کتاب های آموزشی در جهت به تصویر کشیده نشدن زنان در قالب های مختلف جنسی در این کتابها موافقت نموده است. با این حال طبق مطالعات به عمل آمده در خصوص کتابهای درسی طی سال ۱۹۸۰ نشان داد که شخصیتهای اصلی این کتابها اغلب مردان می باشند. در این کتابها، مردان شخصیت های غالب را به خود اختصاص داده و از آنان به عنوان افراد قوی، ماجراجو و زیرک یاد شده است. درست برعکس، هنگامی که در این کتابها از زنان یاد می شود موجوداتی ضعیف و بدبخت به تصویر کشیده شده که قربانی سوءاستفاده ها و آماج تنبیهات

بدنی می باشند. لازم به ذکر است که این تصاویر خود مانعی بزرگ جهت ارتقاء منزلت زن در اجتماع محسوب می گردد.

چالش‌های ناشی از نظام طبقاتی هند. میراث حاکمیت برهمنان

اعتراض پزشکان و دانشجویان مراکز آموزشی و علوم پزشکی هند در دهلی نو به اختصاص ۲۷ درصد از ظرفیت پذیرش دانشجو به طبقه باعنوان، "اقشار عقب مانده" وارد شانزدهمین روز خود شد.

این تخصیص علاوه بر افزایش سهمیه اقشار باعنوان "اقشار پایین اجتماعی" در ادارات و موسسات آموزشی دولتی از ۲۲/۵ درصد به ۴۹/۵ درصد در سال‌های گذشته است.

عده‌ای از دانشجویان موسسه‌ها آموزشی هند چندین روز است که دست به اعتصاب غذا زده‌اند و دانشجویان دیگر دانشکده‌های پزشکی و موسسات علمی هند همچون موسسه فناوری هند و دانشگاه دهلی و برخی از نهادهای اجتماعی را نیز با خود همراه کرده‌اند.

این اعتصاب پزشکان و دانشجویان پزشکی فعالیت بیمارستان‌ها را در سراسر هند مختل کرده و بیماران بویژه از قشر کم درآمد را با مشکل مواجه نموده است هر چند که پزشکان بیماران را در چادرهای برپا شده در حاشیه خیابان‌های اطراف بیمارستان‌ها مداوا می کنند.

در این میان حامیان اختصاص سهمیه به افراد متعلق به اقشار پایین و عقب مانده جامعه هند طی روزهای گذشته در موسسات عالی هند نیز تظاهرات وسیعی را در چندین شهر هند از جمله دهلی ترتیب داده‌اند.

تظاهرات روز جمعه گذشته این افراد در "پاتنا" مرکز ایالت "بهار" به خشونت انجامید به طوری که صدها نفر از آنان در این شهر به نیروهای پلیس حمله کردند که ۵۰ نفر از جمله هفت خبرنگار در جریان این درگیری زخمی شدند.

دانشجویان رشته پزشکی خواسته دکتر "ای.پی.جی. عبدالکلام"، رئیس جمهوری و "مان موهان سینگ"، نخست وزیر هند، مبنی بر خاتمه دادن به اعتراضات را رد کرده‌اند و مذاکره آنان با "پی.سی. هوتا"، قائم مقام وزارت کشور هند، نیز به نتیجه‌ای نرسیده است.

اکثریت کارشناسان و دست اندرکاران صنایع هند با اختصاص سهمیه به اقشار پایین و عقب مانده اجتماعی این کشور در موسسات عالی تراز اول هند مخالفت کرده و می‌گویند که افراد متعلق به این اقشار در مدارس سطح پایین تحصیل کرده‌اند و ورود آنان به موسسات عالی علمی موجب کاهش کیفیت علمی این موسسات خواهد شد.

این کارشناسان می‌گویند که دولت باید به جای اختصاص سهمیه به این افراد در موسسات عالی، کیفیت تحصیلی آنان را در دوره‌های ابتدایی و متوسطه بهتر کند و از سوی دیگر تعداد

کرسی های این موسسات را به حدی افزایش دهد که همه افراد واجد شرایط بتوانند در آنها پذیرش بگیرند.

بر اساس محاسبات انجام شده در این خصوص، ۷۷/۵ درصد از کرسی های موسسات عالی هم اکنون در اختیار اقشار متوسط به بالا از نظر وضع مالی قرار دارد و تعداد کرسی های این موسسات، در صورت اختصاص ۲۷ درصد از آنها به افراد متعلق به اقشار عقب مانده، باید به میزان ۴۵/۳۶ درصد افزایش یابد و دولت باید ۸۰ میلیارد روپیه اضافی را برای انجام این کار هزینه کند.

دولت هند ۱۵/۱۲۴ میلیارد روپیه را به امر آموزش و پرورش در طول سال تحصیلی جاری اختصاص داده که ۸۶/۹۲ میلیارد روپیه از آن برای آموزش عالی و فنی در نظر گرفته شده است. موضوع اختصاص سهمیه به اقشار پایین اجتماعی در نهادها و موسسات آموزشی دولتی هند به سال ۱۹۵۰ میلادی باز بر می گردد.

نظام اجتماعی در هند بسیار پیچیده است و اقشار اجتماعی در جامعه این کشور، بخصوص در میان هندوها، بر مبنای شغل افراد تعیین و هر شغلی به عنوان یک قشر اجتماعی تلقی می شود. اما قوانین مندرج در قانون اساسی هند حکایت از آن دارد که تدوین کنندگان قانون اساسی این کشور بعد از استقلال این کشور از استعمار انگلیس تلاش داشته اند تا فارغ از میراث به جا مانده از دوره های گذشته در زمینه دسته بندی جامعه هند بویژه توسط آیین هندوها، برای بهبود وضع

مستمندان و عقب ماندگان جامعه هند و شامل کردن آنان در امور کشور قوانینی را وضع کنند، هر چند که هنوز هم در برخی از شهرها و بویژه روستاها طبقه بندی جامعه به شهروند درجه یک و دو همچنان بر روابط اجتماعی این کشور سایه افکنده است.

فصل شانزدهم قانون اساسی هند دارای مقررات خاصی در رابطه با ایجاد طبقه اجتماعی در هند است.

بر اساس موادی از این قانون، اختصاص درصد مشخصی از کرسی ها در مجلس نمایندگان هند و نیز مجالس قانونگذاری در ایالت ها به "اقشار و عشایر مشخص" اجباری شده است.

در ماده ۳۳۶ قانون اساسی هند تصریح شده است که نهاد خاصی تحت عنوان "کمیسیون ملی اقشار و عشایر مشخص" باید به منظور ترفیع وضعیت رفاهی آنان تشکیل شود.

در ماده ۳۴۱ این قانون نحوه شناسایی افراد و طبقه های مشمول فهرست "اقشار و عشایر مشخص" و یا حذف از فهرست، تشریح شده است.

تعداد اقشار "دالیت" یا "نجس" که در قانون اساسی هند از آنان به عنوان اقشار و عشایر مشخص نامبرده شده است که در واقع همان افراد عقب مانده هستند به هزاران نفر می رسد و آنها شامل رفتگران، پینه دوزان، مرده سوزان و توالت شویان می شوند.

"دالیت ها" ۱۶/۲ درصد، گروه های عشایری ۸/۲ درصد، دیگر اقشار عقب مانده ۵۲ درصد، اقلیت های مذهبی ۱۸/۴ درصد و اقشار دیگر ۵/۲ درصد از جمعیت هند را تشکیل می دهند.

در آیین هندوها که حدود ۸۰ درصد از جمعیت هند را تشکیل می دهند، افراد به چهار طبقه شغلی یا اجتماعی کاملاً متمایز تقسیم شده اند.

"برهمنان" (شامل کاهنان معابد و علمای آیین هندو) بالاترین قشر را در این گروه بندی اجتماعی تشکیل می دهند و "کشاتریا"ها (جنگجویان و محافظان برهمنان)، "ویش"ها (تجار، کسبه و بازاریان) و "شودرا"ها (طبقه پست آیین هندو که به قشر نجس شهرت داشته و از نظر عقیدتی خارج از آیین هندو بشمار می رود) به ترتیب رده های دوم، سوم و چهارم را اشغال می کنند.

این اقشار دوباره به گروه های کوچک و کوچکتر تقسیم می شوند.

مدیریت اداری و سیاسی، آموزش و تدریس علم، دانش، موسیقی و هنر و نیز انجام مراسم مذهبی از وظایف "برهمنان"ها است حال آنکه افراد متعلق به قشر "کشاتریا" به کار نگهبانی و جنگ با دشمن، افراد متعلق به قشر "ویشیه" به انجام تجارت و افراد متعلق به قشر "شودرا" به انجام خدماتی چون رفتگری، پینه دوزی، نظافت توالت و فاضلاب اشتغال دارند.

"برهمنان" اقشار پایین، مخصوصاً "شودرها"، را به عنوان "نجس" تلقی می کنند و شدت این رفتار غیر انسانی در برخی از روستاها به حدی است که "شودرها" نباید خود را به "برهمنان" نزدیک یا از گذرگاه های مورد استفاده آنان عبور کنند.

به اعتقاد صاحب‌نظران مسایل اجتماعی و فرهنگی، حکومت ۸۰۰ ساله مسلمانان و استعمار ۲۰۰ ساله انگلیس‌ها در هند و نظام سیاسی دموکراسی حاکم در این کشور بعد از کسب استقلال از انگلیس موجب بروز تغییرات وسیعی در نظام اجتماعی هند شده‌است بطوریکه "برهمنان" اکنون در بازار فعالند و یا در نیروهای مسلح خدمت می‌کنند و افراد متعلق به طبقه "دالیت"‌ها یا "نجس"‌ها به‌امر سیاست پرداخته و به پارلمان و وزارتخانه‌های دولت مرکزی نیز راه یافته‌اند.

"مهاتما گاندی"، رهبر فقید جنبش آزادی هند، به "دالیت"‌ها عنوان "هریجان" (بندگان خدا) داد و خواستار اختصاص کرسی‌هایی به آنان در ادارات و موسسات آموزشی دولتی به منظور ترفیع وضعیت اجتماعی و اقتصادی آنان شد.

قانون اساسی هند در سال ۱۹۵۰ اختصاص کرسی‌هایی را در مجالس قانونگذاری این کشور برای پایین‌ترین اقشار اجتماعی (شودر، دالیت یا نجس) و گروه‌های عشایری مندرج در این قانون اجباری ساخت و اصلاحیه این قانون در سال ۱۹۵۱ به دولت‌های محلی اجازه داد که کرسی‌هایی را در موسسات آموزشی به این اقشار اختصاص دهند.

دولت وقت هند در سال ۱۹۵۳ کمیسیونی را تحت ریاست "کاکا کالکار" و تحت عنوان "کمیته دیگر اقشار عقب مانده" به منظور شناسایی افراد بیشتری از جامعه که به دلیل فقر و تنگدستی از همه شئون زندگی باز مانده‌اند، تشکیل داد اما گزارش سال ۱۹۵۵ این کمیسیون چندان مفید واقع نشد.

وضعیت اجتماعی و مالی افراد متعلق به طبقه "دیگر اقشار عقب مانده" به مراتب بهتر از "دالیت ها" است و آنها شامل گاوداران، کشاورزان کوچک، کارگران کشاورزی، قصابان، سلمانی ها و بناها می شوند.

دیوان عالی هند، طی حکمی در سال ۱۹۶۳ تصریح نمود که سهمیه اختصاصی به اقشار "دالیت" و "دیگر اقشار عقب مانده" در نهادها و موسسات آموزشی دولتی نباید از ۵۰ درصد تجاوز کند.

دولت وقت هند در سال ۱۹۷۸ کمیسیونی را نیز تحت ریاست "مندل" به منظور بررسی امکان اختصاص سهمیه به اقشار اجتماعی محروم تشکیل داد.

"کمیسیون مندل"، در پایان تحقیقات خود، توصیه کرد که ۲۷ درصد از کرسی ها در نهادها و موسسات آموزشی دولتی به "دیگر اقشار عقب مانده" اختصاص داده شود.

"ویشونات پراتاب سینگ"، نخست وزیر پیشین هند، در سال ۱۹۸۹ اعلام کرد که دولت وی خواهان اجرای توصیه های "کمیسیون مندل" مبنی بر اختصاص سهمیه به "دیگر اقشار عقب مانده" در نهادها و موسسات آموزشی دولتی است.

این اعلان "وی.پی. سینگ" با عکس العمل شدید اقشار بالای اجتماعی مواجه شده بطوری که عده ای از دانشجویان متعلق به این اقشار خود را در اعتراض نسبت به این تصمیم سینگ آتش زدند.

دیوان عالی هند اختصاص ۲۷ درصد از کرسی ها را به "دیگر اقشار عقب مانده" در سال ۱۹۹۲ تایید ولی تصریح کرد که این سهمیه نباید خانواده های مرفه این اقشار را شامل شود.

اختصاص سهمیه به "دالیت ها" اولین بار برای ۱۰ سال منظور گردید ولی برخورداری دالیت ها از حق رای موجب شده که همه دولت های متوالی، مدت اختصاص سهمیه را به آنان تاکنون تمدید کنند.

اختصاص سهمیه به دالیت ها در ادارات و موسسات آموزشی دولتی موجب شده که وضعیت اجتماعی و اقتصادی آنان در مقایسه با گذشته بهتر شود بطوری که عده ای از آنان هم اکنون وزیر دولت مرکزی، سر وزیر ایالت، دکتر، مهندس و استاد دانشگاه هستند. "ان. کی. نارایانان"، رئیس جمهوری قبلی هند، یک "دالیت" بود.

مشکلات زبان فارسی در هند

هند در نظر ایرانیان، تنها کشوری نزدیک به آن، و یا کشوری بیگانه نیست؛ بلکه مردم ایران پیوندی عاطفی با مردم این سرزمین دارند. در افسانه ها و فولکلور ایران، هند سرزمین زیبایی ها و شگفتی هاست.

هند در نظر ایرانیان، تنها کشوری نزدیک به آن، و یا کشوری بیگانه نیست؛ بلکه مردم ایران پیوندی عاطفی با مردم این سرزمین دارند. در افسانه ها و فولکلور ایران، هند سرزمین زیبایی ها و شگفتی هاست. روند تاریخ از دوره باستان تاکنون نیز بر این پیوند افزوده و در دیرند تاریخ،

انگیزه‌های این پیوند فراهم آمده است. این جستار پرداختن به سویه‌های تاریخی را بر نمی‌تابد؛ از این رو تنها به راه‌های استوار کردن این پیوستگی بسنده می‌کند. در واقع یکی از بنیادی‌ترین راه‌ها گسترش زبان و ادب فارسی در هند بزرگ است که می‌تواند بر ستبری و استواری این پیوند بیفزاید. دشواری‌هایی که در راه گسترش و فراگیری زبان فارسی در این سرزمین در دوره اخیر به نظر می‌رسد می‌تواند ذیل این عنوان‌ها خلاصه شود:

دانشجو

با توجه به این که حدود هفتصد هشتصد سال، زبان فارسی در کشور هند از زبان‌های رسمی بوده است، این زبان برای آنان تنها یک زبان نیست، بلکه آکنده از بار عاطفی و بازتاب فرهنگ مشترک هند و ایران نیز است. پس زبان فارسی جزئی از فرهنگ گذشته این سرزمین به شمار می‌آید و تأثیر مستقیمی در همه سویه‌های فرهنگ هند دارد، آن گونه که در ژرفای فرهنگ و زبان‌های هند بزرگ رسوخ کرده است. از این رو فراگیران زبان فارسی با انگیزه‌های گوناگون جذب یادگیری این زبان می‌شوند. برای نمونه یکی از انگیزه‌هایی که موجب جذب دانش‌آموزان و دانشجویان به زبان فارسی می‌شود، وجود خانقاه‌ها و مراکز عرفان و تصوفی است که در جای جای هند دایر هستند. از آنجا که بیشتر این خانقاه‌ها و مراکز عرفان و تصوف اسلامی، ریشه در سلسله‌های عرفان ایرانی - اسلامی دارند و نیز بیشتر آثار نوشته شده و باقیمانده این مراکز به زبان فارسی است، از این رو نوآموزان آنها علاقه‌مند به فراگیری زبان فارسی هستند.

یکی دیگر از انگیزه‌های جذب به این زبان، نسل ایرانیانی است که در دوره‌های تاریخی به علت‌های گوناگون، در سراسر سرزمین هند سکنا گزیده‌اند: در دوره کنونی فرزندان آنان با توجه به ریشه‌های عاطفیشان که در سرزمین ایران جایگیر است، علاقه‌مند به فراگیری زبان فارسی هستند. علت سوم، دین اسلام است. در دیرند تاریخ، ایران همیشه مرکز تبلیغات اسلامی بوده و در راه گسترش اسلام در سرزمین‌های دیگر از هیچ کوششی دریغ نکرده است. از این رو ایران و اسلام برای مردم هند مفهومی یگانه هستند. البته عوامل دیگری نیز در راه جذب به این زبان در هند وجود دارند که برای کوتاهی این گفتار از آنها چشم می‌پوشیم.

مواد درسی و منابع قابل دسترسی

در پیوند با فراگیری زبان فارسی و گسترش آن، کمبود کتاب‌های درسی مناسب، یکی از دشواری‌ها و مشکلات بنیادین فراگیران زبان فارسی در سرزمین هند است. کتاب‌هایی که در آنجا برای تدریس این زبان به کار می‌روند، نه تنها کافی نیستند، بلکه از لحاظ محتوا به سی‌چهل سال پیش تعلق دارند. مواد درسی ارائه شده به دانشجویان نیز جواگوی نیازهای دانش‌آموزان و دانشجویان در دوره تحصیلی آنان و پس از فراغت از تحصیل نیست.

پیشنهاد می‌شود در کنار آموزش زبان فارسی در سطح‌های مختلف، مواد درسی دیگری نیز چون تاریخ (تاریخ هند، تاریخ ایران و تاریخ ادبیات گذشته و معاصر هند و ایران) در برنامه‌های درسی آنان گنجانده شود و نیز به کلاس‌های مکالمه زبان فارسی اهمیت بیشتری داده شود و در ضمن، درس‌ها به زبان فارسی تدریس شوند.

اشتغال شاید بتوان گفت بزرگ ترین مشکل فارسی آموزان در سرزمین هند مسئله اشتغال و امرار معاش است.

دانشجویان زبان فارسی در هند، با هر انگیزه ای که جذب یادگیری زبان فارسی شده باشند، با کمال تأسف پس از فراغت از تحصیل، هیچ گونه وسیله امرار معاش از طریق رشته تحصیلی خود را ندارند. این مسئله خود می تواند موجب از بین رفتن یا کم شدن انگیزه جذب برای فراگیری زبان فارسی در هند باشد. برای رفع این مشکل، چند پیشنهاد ارائه می شود:

۱. دانشجویان زبان فارسی هند، بتوانند تا حد امکان برای تکمیل و یادگیری کاربردی زبان فارسی به ایران مسافرت کنند و از راه دادن بورسیه های بیشتر (بیش از آنچه امروزه هست) امکان آمدن آنها به ایران فراهم آید.

۲. ایجاد بازارهای کار برای فارغ التحصیلان این رشته، مانند تربیت و پرورش دانشجویان رشته زبان فارسی برای فهرست کردن نسخه های خطی فارسی موجود در کتابخانه های سراسر هند، که بیشتر آنها تاکنون ناشناخته، دست نخورده و تحقیق نشده باقی مانده اند، و استخدام فارغ التحصیلان توسط رایزنی فرهنگی ایران در هند به همین منظور، پس از فراغت از تحصیل.

۳. به وجود آوردن انگیزه هایی برای راه اندازی شرکت ها و محل های ترجمه های فارسی در هند (مثلاً برای ترجمه مدارک زائران هند که به عتبات مقدس ایران سفر می کنند). همین امر می تواند راه درآمدی برای فارغ التحصیلان رشته زبان و ادب فارسی به شمار آید.

۴. تا حد امکان جذب فارغ التحصیلان زبان فارسی در خانه‌های فرهنگ و رایزنی ایران در هند.

۵. حمایت مالی از فراگیران و فارغ التحصیلان برای تحقیق و پژوهش‌های علمی در زمینه‌های

ایران‌شناسی و ...

۶. گنجاندن مواد درسی ویژه در دوره تحصیل و فراگیری زبان فارسی تا این که دانشجویان

بتوانند پس از فراغت از تحصیل، در جامعه هند جذب بازار کار شوند و از لحاظ امرار معاش

در تنگنا قرار نگیرند.

از این رو بازنگری مواد درسی‌ای که در دوره‌های تحصیل ارائه می‌شوند ضروری به نظر

می‌رسد. به همین منظور کارشناسانی آگاه و علاقه‌مند از تحصیل کردگان و برنامه‌ریزان هند،

باید در این راه همکاری کنند. گنجاندن واحدهای آموزش رایانه، درس‌های جامعه‌شناسی، و

کتابداری از جمله این موارد بازنگری می‌تواند باشد که آموزش دادن آنها امکان جذب

فارغ التحصیلان به بازار کار هند را بیشتر می‌کند.

مدرسان

در راستای گسترش زبان فارسی در هند پرتلاش ترین و بنیادی ترین کوشندگان این راه یعنی مدرسان زبان فارسی هند نیز دچار مشکلات و دشواری هایی در آموزش این زبان هستند. این تلاشگران علاقه مند را می توان به دو گروه تقسیم کرد: گروهی که از دانشگاه های ایران فارغ التحصیل شده اند و یا امکان مسافرت های پی در پی به ایران را داشته اند. گروه دوم فارغ التحصیلانی که از رشته زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه های هند فارغ التحصیل شده اند و امکان مسافرت به ایران را یا به دست نیاورده اند، یا آن که موفقیتشان در این زمینه اندک بوده است. گروه اول که این زبان را به طور کاربردی در ایران فرا گرفته اند چندان مشکلی در آشنایی با نکته های ظریف این زبان ندارند و برای تدریس نیز دشواری چندان ندارند. اما گروه دوم که از دانشگاه های هند فارغ التحصیل شده اند و امکان مسافرت به هر دلیلی برایشان مهیا نشده است، در تدریس، با مشکلات زیادی مواجه اند، از همه مهم تر این که در آنجا تدریس، بیشتر به زبان اردو یا انگلیسی صورت می گیرد!

دشواری دیگر در راه گسترش زبان فارسی در هند، این است که پاره ای از دانشگاه های بزرگ هند هنوز از داشتن استاد زبان فارسی محروم اند و بخش های زبان فارسی آنها موقتاً تعطیل و یا حتی به کلی برچیده شده است. برای نمونه بخش زبان فارسی دانشگاه مدرس (چینای) در جنوب هند، که یکی از دانشگاه های برجسته و بزرگ هند به شمار می آید، سال هاست که در تعطیلی به سر می برد.

به طور کلی مسائل و نیز راه‌حل‌های مربوط به مشکلات استادان محترم زبان فارسی هند را فهرست‌وار می‌توان چنین بازگو کرد:

۱. پاره‌ای از مدرسان زبان فارسی هند، که فارسی را در هند به زبان اردو یا انگلیسی فرا

گرفته‌اند، برای تکمیل تحصیلات خود و تسلط بر این زبان هنوز امکان آمدن به ایران را پیدا نکرده‌اند.

۲. کمبود مواد آموزشی (تدریس). یکی از مشکلات مدرسان زبان فارسی در راه تدریس این

زبان به دانشجویان و دیگر فراگیران، کمبود کتاب‌های درسی و دیگر وسایل آموزشی این

زبان، و کتاب‌هایی است که روزآمد با شنود به فراگیری این زبان کمک کنند. در واقع می‌توان

گفت نبود امکان تحقیق و مطالعه برای زبان فارسی در هند، از دسترسی نداشتن به کتاب‌ها و

منابع موردنیاز سرچشمه می‌گیرد. از این رو تجهیز و آماده‌سازی بخش فارسی کتابخانه‌های

دانشگاه‌ها و مراکز فرهنگی هند، ضروری به نظر می‌رسد. (البته در این راستا یکی دو دانشگاه

چون دانشگاه‌های دهلی و جواهر لعل نهرو استثنایند.)

۳. مشکل مالی استادان و صاحب‌نظران زبان فارسی هند، برای ترجمه و نشر آثار فارسی در هند.

با توجه به این که استادان زبان فارسی هند به زبان‌های اردو و انگلیسی و دیگر زبان‌های هند نیز

تسلط دارند و توانایی ترجمه آثار ایرانی - اسلامی و ایرانی - هندی به زبان انگلیسی و زبان‌های

هندی را دارا هستند، بنابراین می توانند فرهنگ و ادب فارسی را به گونه ای بهتر باز شناسانند و در همین راستا، انگیزه مطالعات فرهنگ و ادب فارسی را در آنجا فراهم آورند.

۴. روزآمد کردن صنایع و در دسترس قرار دادن تازه ترین کتاب هایی که در زمینه زبان و ادبیات فارسی (شعر، داستان، تاریخ، و...) در ایران به چاپ رسیده است.

۵. امکان مسافرت استادان زبان فارسی به ایران.

۶. تشکیل دوره های بازساخت و بازآموزی، با روشی جدیدتر بدون ایجاد خستگی و ملال، در ایران و هند برای استادان محترم زبان فارسی هند.

۷. پوشش دانشگاه های واجد شرایط سراسر هند از لحاظ داشتن کرسی زبان و ادبیات فارسی و ایجاد امکانات برای آنها.

۸. علاقه مند کردن استادان زبان فارسی هند به تخصص خود، با چاپ کتاب های آنها در ایران و هند.

مهوش واحد دوست .